

به نام یگانه زیبا



دانشگاه الزهرا

دانشکده ی هنر

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد

رشته: نقاشی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد

موضوع تئوری

بررسی نقوش و جایگاه قالی ایران در نگارگری های دوره ی صفوی

موضوع عملی

حال و هوای ایرانی

استاد راهنما: دکتر پریسا شاد قزوینی

استاد مشاور: دکتر فاطمه هنری مهر

دانشجو: مریم رجبی

تیر ماه ۱۳۹۰

مقدمه:

در نگارگری های دوره های مختلف هنر ایران پس از اسلام فرش به عنوان یک کالای هویت مدار که ذوق و سلیقه ی ایرانی در آن نهفته است، در اکثر نگاره ها حضور پر رنگی دارد. این امر نشان از جایگاه و اهمیت این گنجینه ی گرانبها در میان مردمان ایران میباشد. این موضوع ما را بر آن میدارد تا از سویی با بررسی جایگاه و چگونگی آن در به تصویر در آمدن فرش در نگاره های دوران مختلف، به میزان اهمیت و جایگاه آن در نگارگری ایرانی پی ببریم. از سوی دیگر نیز با توجه به نقوش و ترکیب های مختلف آن در نگاره های گوناگون از لحاظ دوره و سبک می توان به طبقه بندی نقوش و طرح های به کار رفته در نگاره های دوره های مختلف رسید. کما اینکه باید این امر را نیز مد نظر قرار دهیم که این تغییر و تحولات در دوره های مختلف تحت تاثیر چه عواملی صورت گرفته است. مساله ی دیگری که می توان بدان اشاره نمود، این است که به دلایلی از جمله فرسایش، تجارت، جنگ و سایر عوامل طبیعی خود فرش ها اکثرا از میان رفته اند. و به همین علت در ایران تنها منبع مطمئن همانا نگارگری ها می باشند که کمک شایانی به طبقه بندی و شناسایی نقوش و طرح های مختلف در قرون گذشته می کند.

هدف در این رساله آن است که به فرش به عنوان جزیی از عناصر هویت مدار در کنار سایر عناصر نگارگری ها که همچون سایر عناصر موجود در نگاره ها تشکیل دهنده ی ساختار کلی است پرداخته شود، نه اینکه به صورت مجزا و انحصاری در مورد ویژگی های خود فرش بحث شود. در اینجا سعی شده تا علاوه بر ویژگی های خود فرش ارتباطش با سایر عناصر و ترکیب بندی پیکره ی نگاره بررسی شود. برای تحقق این امر ابتدا به بررسی پیشینه ی مختصری از فرش و قالی در ایران می پردازیم تا آشنایی مختصری با

خود فرش به عنوان یک هنر والا و ارزشمند در میان ایرانیان پیدا نماییم. بررسی های بسیاری در زمینه ی شناخت فرش ایران صورت گرفته که البته این بررسی ها در میان پژوهشگران غربی نسبت به سایر پژوهش ها بیشتر بوده است. این پژوهش ها زمینه های جدیدی برای ادامه ی این راه هموار نموده اند، اما در میان پژوهشگران این مرز و بوم نیز افراد زیادی در جهت شناخت و شناساندن این هنر والا به سایرین تلاش نموده اند. تلاش در این بررسی ها به جهت یافتن هویت فرش ایرانی و نیز پیدا کردن پیشینه ی دقیق آن در قرون و اعصار در میان مردمان این سرزمین صورت گرفته است. همانطور که ذکر شد با توجه به گذر زمان بیشتر آثار تولید شده در دوره های مختلف در ورطه ی نابودی قرار گرفتند و اکثرا نیز از میان رفته اند، اما شواهد و قرائن زیادی برای اثبات وجود آنها موجود است، که از جمله تصاویر موجود بر روی ظروف، نگاره ها و دیوارنگاره ها و سایر آثار هنری باقیمانده از دوره های یاد شده را میتوان ذکر نمود. «با توجه به بررسی های انجام شده قدیمی ترین فرش سالم باقیمانده به گفته ی پروفسور پوپ محقق در زمینه ی هنر های ایران، فرش پازیریک که متعلق به پایان قرن چهارم و اوایل قرن سوم قبل از میلاد است که در گورهای سیبری به دست آمد میباشد». (یارشاطر، احسان، تاریخ هنر فرشبافی، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

هرچند تا به امروز نیز بحث های فراوانی بر سر ایرانی بودن یا نبودن این فرش وجود دارد، اما شواهد و پیشینه هایی که از هنر فرش بافی در این سرزمین وجود دارد حتی اگر این فرش ایرانی هم نباشد، از قدمت و والایی این هنر ارزشمند در میان ایرانیان نمی کاهد. چرا که در عرصه های بین المللی همواره فرش ایران در جایگاه بالایی قرار داشته است. همانگونه که این مساله را در نگاره ها شاهد هستیم که چطور گویای نقش فرش در میان ایرانیان است و با طرح های زیبا و فریبنده ی خود تحسین تماشاگر را بر می انگیزد.

در دوره های بعدی در زمان ساسانیان نیز شواهد فرش بافی موجود است. در دوره ی بعد از اسلام نیز به همین منوال ادامه دارد و بافت فرش رو به رشد و ترقی گذاشته و مساله ی طرح و نقش و نیز رنگ دارای اهمیت بیشتری میشود. انواع طرح شکسته و گردان [1] و رنگ را در فرش های ایرانی میتوان یافت. در دوره های قبل از صفوی مثل تیموری با وجود طرح های گردان که نمونه های زیبای آن در جلدها، ظروف و سایر آثار هنری و نیز گهگاهی در فرش های موجود در نگاره ها رواج طرح های شکسته را در نگاره ها شاهد هستیم و در حالیکه در دوره ی صفوی فرش به اوج رشد و ترقی دست می یابد و زیباترین طرح و نقش ها در فرش ایران در این دوره ظهور پیدا میکند طرح های زیبای اسلیمی و ختایی [2]، طرح های جانوری و گیاهی، شکارگاه و سایر طرح ها. به لحاظ تنوع و گستردگی طرح های فرش در نگاره های صفوی و نیز حضور پر رنگ تری که فرش در نگاره های این دوره دارد، بررسی مفصل این رساله مربوط به دوران صفویست. هرچند که در میان تاریخچه هایی که در فصول مختلف ذکر خواهد شد تا حد مطلوبی نیز به نگاره های دوره های دیگر نیز پرداخته خواهد شد.

از آنجاییکه نگارگران اغلب طراحان فرش نیز بوده اند و نیز، آثار موجود در نگاره ها سندی است دال بر طرح های موجود فرش آن دوره، میتوان بسیاری از طراحی های اجرا شده ی فرش را مشاهده کرد. گرچه هدف این رساله طرح این موضوع نیست و همچون موارد پژوهشی گذشته، مثل پژوهش های علی حصوری در زمینه ی شناسایی فرش و طبقه بندی آن، بر مبنای نگاره های موجود، که سعی بر شناسایی صرف فرش ندارد. بلکه فرش را به عنوان جزئی از اجزای نگارگری بررسی می کند اما دانستن این موضوع و اشاراتی مختصر به آن جهت پیشبرد این مهم لازم میباشد. در این رساله بیشتر سعی شده تا نگاه نگارگر به تصویر فرش و چگونگی بیان این نگاه در اثرش بررسی شود. تبعا

در دامنه‌ی وسیع این نگاه جایگاه و هویت فرش در زمان خود نیز مشخص می‌شود. برای دست یافتن به چنین اطلاعاتی، بهترین منبع موجود نگاره‌هایی است که از دوره‌های یادشده به جای مانده که تا حدودی کم و کیف مساله را نمایان می‌کند. با توجه به بررسی نگاره‌ها علاوه بر مشخص نمودن چنین موضوعاتی مساله‌ی دیگری نیز حائز اهمیت است و آن این است که اهمیت و جایگاه فرش به عنوان یک عنصر جدایی‌ناپذیر در هنر نگارگری ایران و نیز ارتباطش با نگاره (چه تاثیرگذاری و چه تاثیرپذیری) در به تصویرگری آن تا حدی مشخص شود. هر چند به صورت مختصر به شرح و تفسیر این موضوع پرداخته می‌شود اما تا حدی به دلیل به تصویر در آمدن آن در سایر دوره‌ها اهمیت آن را برای ما واضح تر می‌شود.

با توجه به روشن شدن مفاهیم و اهداف این پژوهش به ترتیب روند زیر در رساله پیگیری شده است:

در فصل اول ابتدا جهت‌آشنایی با اهمیت موضوع مورد بررسی یعنی فرش تاریخچه‌ای مختصر از آن از دوره‌ی قبل از اسلام تا صفوی به صورت خلاصه ارائه می‌شود و در ادامه نیز طرح مساله‌ی به تصویر در آمدن فرش در نگاره‌ها که موضوع اصلی این رساله است پیش کشیده می‌شود. و با طرح پیشینه‌ای از این امر، یعنی به تصویر در آمدن نگاره‌ها در دوره‌های مختلف که شامل دوره‌ی پیش از اسلام تا قبل از صفوی است بحث را ادامه می‌دهیم، چنانچه سوابق موجود از تصاویر فرش بر دیوارنگاره‌ها و ظروف و سایر آثار بررسی می‌شود، تا به مرحله‌ی نگارگری وارد شود. این موضوع به آن دلیل است که تنها آثار باقیمانده از دوران کهن همان دیوارنگاره‌ها و ظروف و اشیای هنری می‌باشند و نگاره‌ای از آن دوران بر جای نیست. ولی در ادامه هویت و شکل‌گیری آن را در نگاره‌ها بررسی نموده تا مختصراً آشنایی با کم و کیف و چگونگی این موضوع در دوران قبل از

صفوی پیدا نماییم. در ابتدا مواردی را که افرادی دیگر در این زمینه پژوهش نموده اند از نظر میگذرانیم. در همین اثنا نیز نگاهی به برخی از مسائل در دوران صفوی از قبیل حمایت دربار و وضعیت تجارت و ارتباط آن با فرش خواهیم داشت.

در فصل دوم ابتدا مکاتب صفوی در تقابل با تصویرگری فرش بررسی می شوند. در ادامه به فرش و هویت طرح و نقش آن در دوره ی صفوی پرداخته می شود، تا آشنایی مختصری با طرح و نقش و رنگ و سایر موضوعات مربوط به آن حاصل گردد. در فصل سوم تعدادی از آثار انتخاب شده از میان مکاتب صفوی که شامل تصویر یا تصاویر فرش هستند را بنابر شاخصه هایی که تعریف خواهیم کرد بررسی و تجزیه و تحلیل خواهیم نمود.

در آخر به نتیجه گیری از مباحث یاد شده خواهیم پرداخت و جمع بندی کلی از مطالب را ارائه میدهیم. ارجاعات در این رساله در پرانتز و درون متن جای گرفته است. لغات لاتین به صورت زیرنویس در پایین هر صفحه با شماره معین گردیده و نیز ضمائم در شماره های درون کلوشه به قسمت پایانی رساله ارجاع داده میشود.

پیشینه ی تحقیقاتی:

در این رساله به دنبال بررسی پیشینه و تاریخچه ای برای فرش ها بر مبنای بررسی نگاره ها نیستیم، بلکه بیشتر به دنبال بررسی فرش به عنوان جزیی از پیکره نگاره هستیم. همانطور که در برخی پژوهش ها اختصاصا به طرح و نقش فرش ها پرداخته شده است. علی حصری در کتاب خود با عنوان «مینیاتور بر فرش» با بررسی نگاره ها به شناسایی فرش ها پرداخته است و فرش را به صورت مجزا بررسی نموده. تعدادی از طرح و نقشه

های آن را بازسازی و به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است. در حقیقت از نگاره ها به عنوان منبعی برای بررسی فرش های آن زمان استفاده نموده است.

به علت کمبود منابع موجود و برخی موانع پژوهشی و مواردی از این قبیل که در اکثر پژوهش های انجام شده که در کشور ما تاثیر گذار است، در این مورد نیز، پیشگامان تحقیق و پژوهش یعنی پژوهشگران اروپایی اولین اقدامات را در این زمینه انجام داده اند، چنانچه «کهن ترین کوشش ها در این زمینه متعلق به جولوس لسینگ¹ [3] است که حدود صد و بیست سال پیش صورت گرفت. یکی دیگر از محققان یعنی بریگز² کوشید نقش های فرش های تیموری را بر اساس نقشه های روی مینیاتور توضیح دهد» (حصوری، علی، ۱۳۷۶، ص ۳). اما همانطور که دیده میشود در این پژوهش ها نیز کوشش ها در زمینه ی بررسی و تطبیق فرش های موجود در مینیاتور ها با فرش های موجود در آن دوره می باشد. در کتابی از شیلا کن بای به نام هنر های ایران در بخش مربوط به فرش در دوره ی صفوی، وی نیز به بررسی چند فرش موجود در نگارگری ها پرداخته از جمله نگاره ی شاه سلیمان و ندیمان که به بررسی فضای کلی طرح و در انتها به تجزیه و تحلیل فرش پرداخته است. به طور مثال در جایی اینچنین به توصیف فرش درون نگاره ای در زمان شاه سلیمان پرداخته است :

« نقاشی های شاه سلیمان و ندیمان شامل گونه ای از فرش سبک هراتی است. در اینجا برگهای سوزنی و گل های چهار پر صورتی و سفید با پیچک های ابری و گل های نیلوفر روی زمینه که سیاه به نظر میرسند اما ممکن است آبی تیره بوده باشند، ترکیب شدند. با توجه به اینکه که در منظره ی گروهی شاه روی پارچه ی زمینه سفید که فرش زری

1: Julius Lessing

2: Myers briggs

کوچکی را پوشانده، نشسته است، با این حال فرش زری نشان دهنده ی گونه گونی در یک منظره ی گروهیست.» (kenby, shila, ۲۰۰۲, 152)

در میان پایان نامه های انجام شده که تا حدی در ارتباط با موضوع فرش و نگارگری هستند، از جمله رساله ناهید زاهدی با عنوان نقوش قالی های دوره ی صفوی و ارتباط آن با مکتب تبریز دوم می باشد. در این مقاله نیز به موضوع نقوش فرش پرداخته شده است و به فضای نگارگری در تقابل با فرش اشاره ای نشده است. بیشتر به مسائلی از قبیل بررسی مکاتب صفوی و ویژگی های آنها پرداخته است. به طور مثال در فصل اول بیشتر مروری بر اصول هنری دوره های مختلف ایران و تقابل با میراث و سنت های زمانه داشته است و عوامل رشد هنری را بررسی نموده و مشخصاتی از قبیل ترکیب بندی ها و سایر ویژگی های هنری را تفسیر کرده است. و هیچ گونه اشاره ای بر فرش به طور اخص و تقابل آن با نگارگری و نیز تصاویری که حاوی فرش باشند نشده است. بلکه در حقیقت در این رساله کوشش بر تطبیق ترکیب بندی فرش های دوره ی صفوی با ترکیب بندی کل اجزای نگاره ها از راه تجزیه و آنالیز پیکره ی اصلی دو یا سه نگاره و تطبیق آنها با ترکیب بندی دوار و پیچان یک یا دو طرح فرش از فرش های صفوی بوده است.

در واقع در رساله ی وی برخلاف این رساله پیکره ی اصلی و ترکیب بندی کلی نگارگری را مبنایی بر ترکیب بندی و پیکره ی کلی فرش دانسته است. در صورتی که عکس این موضوع منطقی تر به نظر می آید، بدین صورت که ترکیب بندی های دوار و پیچان موجود در طرح فرش را میتوان الگویی برای ترکیب بندی های نگاره ها دانست.

اما به هر جهت شاید، در ظاهر، موضوعاتی مشابه با این رساله وجود داشته باشد، ولی از لحاظ محتوایی و طرح مساله، موضوع این رساله موضوع بسیار جداگانه ای است. چرا که فرش را به عنوان جزئی از نگارگری و پیوسته با آن تجزیه و تحلیل میکند.

در جای دیگر رساله ی دیگری از زهره قاضی حسینی با عنوان بررسی عناصر فضای داخلی نگارگری به نکات کوتاه و مشابه بر میخوریم. هرچند این رساله مبنایی کلی دارد و فضاهای داخلی نگارگری ها را به طور کلی بررسی میکند اما در میان این اجزا اشارات مختصری نیز به فرش نموده است مثلا در جایی که به نقل قول از تاورنیه^۳ [4] مبنی بر توضیح فضای داخلی کاخ های صفوی سعی بر توصیف فضاهای داخلی نگاره ها دارد که در این میان اشاراتی نیز به فرش دارد. به طور مثال در جایی نقل قولی از تاورنیه آورده شده، از این قرار که :

«در کاخ شاه عباس نزدیک به حوض صغه ای به طول ۱۲ و عرض ۸ پا قرا دارد که یک پا بلندتر از کف تالار است و با یک قالی بسیار زیبا مفروش شده است.»

اما با این حال به علت گستردگی موضوعات قابل پژوهش در رساله ی وی اشاراتی که در زمینه ی فرش شده بسیار محدود و ناچیز است و شرح مفصلی در این زمینه ارائه نشده است. اساسا موضوع تقابل فرش و نگاره در میان نیست و به فرش هم همچون سایر عناصر داخلی نگاره ها اشارات مختصری شده و بحث را با یک نتیجه گیری کلی به پایان رسانده است. و ما در این رساله سعی را بر این داشته ایم تا این موضوع را به صورت گسترده تری طرح نموده و ارتباط میان طرح فرش ها و نگاره ها جزئیات بیشتری را بررسی می نماییم.

۳:Jean-Baptiste Tavernier

فهرست مطالب:

.....چکیده:

.....

مقدمه:

.....

.

فصل اول (تاریخچه ی فرش از دوران پیش از اسلام تا دوران صفوی).....۱

۱-۱: تاریخچه ی قالی و قالی بافی در ایران.....۲

۱-۱-۲: انواع مفرشات و کاربرد آنها:.....۴

۱-۱-۳: فرش قبل از اسلام.....۶

۱-۱-۴: فرش در صدر اسلام.....۱۰

۱-۱-۵: فرش در دوران سلجوقی.....۱۱

۱-۱-۶: فرش در دوران مغول:.....۱۳

۱-۱-۷: فرش در دوران تیموری :.....۱۵

۱-۱-۸: فرش در دوران صفوی:.....۱۷

۱-۲: پیشینه ی تصاویر فرش در نگاره های قبل از اسلام تا صفوی:
۳۵.....

۱-۲-۱: تصاویر فرش در نگاره های دوران قبل از اسلام:
۳۵.....

۱-۲-۳: تصاویر فرش در نگاره های دوران اسلامی:
۳۸.....

۱-۲-۴: تصاویر فرش در نگاره های دوران سلجوقی:
۴۰.....

۱-۲-۵: تصاویر فرش در نگاره های دوران ایلخانی:
۴۳.....

۱-۲-۶: تصاویر فرش در نگاره های دوره ی تیموری:
۴۸.....

فصل دوم: جایگاه فرش در نگاره های دوره ی صفوی:
۶۴.....

۲-۱: بررسی مکاتب صفوی در تقابل با تصاویر فرش در نگاره ها:
۶۶.....

۲-۱-۱: جایگاه فرش در نگاره های مکتب تبریز
دوم.....
۶۶.....

- ۲-۱-۲: جایگاه فرش در نگاره های مکتب قزوین.....۶۷
- ۲-۱-۳: جایگاه فرش در نگاره های مکتب مشهد.....۶۹
- ۲-۱-۴: جایگاه فرش در نگاره های مکتب شیراز.....۷۲
- ۲-۱-۵: جایگاه فرش در نگاره های مکتب اصفهان:.....۷۷
- ۲-۲: نگارگری و طراحی فرش در تقابل با هم در دوره ی صفوی:.....۸۲
- ۲-۳ : نگاهی به ویژگی ها و نقشینه ی فرش در نگاره های دوره ی صفوی:.....۸۸
- ۲-۴: تصویر فرش های عشایری در نگاره ها:.....۱۰۳
- ۲-۵ : بررسی فرش در دیوارنگاره های اصفهان.....۱۱۲
- فصل سوم: تجزیه و تحلیل نقشینه های فرش در نگاره های مکاتب دوره ی صفوی.....۱۱۳

مکتب	۳-۱:
۱۱۵.....	تبریز.....
مکتب	۳-۲:
۱۳۳.....	مشهد.....
مکتب	۳-۳:
۱۳۹.....	قزوین.....
مکتب	۳-۴:
۱۴۹.....	شیراز.....
مکتب	۳-۵:
۱۵۵.....	اصفهان.....
	نتیجه
.....	گیری.....
	۱۶۶
کار	گزارش
۱۷۰.....	عملی.....
	فهرست
۱۸۲.....	منابع.....

فهرست

تصاویر..... ۱۸۵

ضمائم.....

۱۹۲.....

فصل اول:

تاریخچه ی فرش از دوران پیش از اسلام تا

دوران صفوی

۱-۱: قالی و قالی بافی در ایران

قبل از مطالعه در مورد فرش و زیراندازها و نقوش آنها در نگارگری‌ها ابتدا لازم است تاریخچه‌ی مختصری از فرش و فرش بافی و جایگاه آن بین ایرانیان به میان آوریم. همانطور که می‌دانیم فرش یکی از محبوب‌ترین و مورد استفاده‌ترین عناصر در میان ایرانیان از قدیم بوده و هست. و جایگاه آن را نسل امروز ما هم تا حدی در میان اقوام و طوایف مختلف ایرانی شاهد بوده‌اند.

آنچه در تعریف فرش می‌توان در اولین حالت خود توصیف کرد فرش یک زیرانداز است و کاربرد آن در جهت مفروش کردن می‌باشد. «فرش به معنای گستردنی و آنچه که بر زمین گسترده می‌شود آمده است. افزون بر قالی زیراندازهای دیگری همچون انواع گلیم،

زیلو، پلاس، نمد، جاجیم، و حصیر از نوع زیرانداز را هم شامل می شود. قالی فرش‌ی است پرزدار که از طریق درگیری پرز و گره زدن آن بر تار و پود گذاری بافته میشود.» (یارشاطر، احسان، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

اما با توجه به گذشت زمان و مشکلاتی از قبیل فرسودگی فرش‌ها، جنگها و حوادث طبیعی ای که در طول زمان بر این سرزمین گذشته، تقریباً همه‌ی فرش‌های موجود در گذشته‌های دور را از میان برده است.

اما مطلبی که بر ما روشن است، این است که فرش در میان ایرانیان جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد و یکی از اجزای جدایی ناپذیر خانه‌های ایرانی است. ایرانیان با توجه به اینکه در طی مرور زمان فرش را یکی از عناصر اصلی در منازل خود یافتند به تدریج ذوق و قریحه‌ی ایرانی همچون سایر عناصر مورد استفاده در منازل، سعی در زیبا نمودن و پرکیفیت‌تر کردن هر چه تمام‌تر این هنر نمود. چنانچه اکثر سیاحان که به ایران آمده‌اند، بسیار از فرش و جایگاه آن در میان ایرانیان در سفرنامه‌های خود سخن گفته‌اند، چنانچه در سفرنامه‌ی کمپفر [5] در توصیف خانه‌های ایرانی در مورد استفاده از فرش در خانه‌ها اینگونه بیان شده است که: «ایرانیان بر کف اتاق فرشهای گرانبها گسترده‌اند و چند مخده به کنار دیوار تکیه داده‌اند. در خانه‌های ایرانی بی جهت به دنبال میز و صندلی و نیمکت و سایر لوازم خانه‌های مختص مغرب زمین نباید گشت.» (انگلبرت، کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۹۶).

همانطور که مشاهده میشود در ایران قدیم به جای نیمکت و صندلی که در فرهنگ غربیان بسیار مورد استعمال است و تا حدی میتوان گفت با مفروش کردن خانه‌ها با فرش

4: Engelbert Kaempfer

و قالی غریبه است، فرش مورد استفاده بوده و هست. نکته ی دیگر در گفته ی کمپفر، اشاره بر گرانبها بودن فرش های خانه هاست. وی اشاره بر عموم خانه ها دارد که این مطلب ارزشمندی فرش در میان ایرانیان جهت استفاده از آن در منازل خود را نشان میدهد.

در جایی دیگر کمپفر در توصیف نحوه ی استفاده از فرش در میهمانی های شاه ذکر میکند که: « در میهمانی ایرانیان بر روی صندلی و پشت میز های پایه بلند نمی نشینند، بلکه روی قالی و نمد که زمین را با آن فرش کرده اند می نشینند. میهمانان بر صغه ی بلندی قرار می گیرند، به طوری که روی هر کس به شاه باشد. آن طرف قالی ها را که به طرف سفره است خالی می گذارند.» (انگلبرت، کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۲۴۲).

با توجه به گفته های سیاحان و نیز شواهد موجود از جمله نگاره ها استفاده از فرش به عنوان عنصر حیاتی، از کاخ ها و دربار تا خانه های معمولی عامه ی مردم وجود داشته و زینت بخش خانه ها و تالارها بوده است.

این امر به تدریج ادامه یافت و ایرانیان در دوره های متمادی تا همین عصر، از فرش و قالیچه برای پوشش کف خانه استفاده نموده و می نمایند. و نیز با توجه به طراحی های زیبایی که برای آن در نظر گرفته میشود قطعا به جنبه های زیبایی منازل نیز می افزاید.

از دوران قدیم زیرانداز در واقع محدود به فرش نمی شود و شامل حصیر، نمد، گلیم نیز بوده است. هر کدام از این موارد تعاریف خود را دارند.

۱-۱-۲: انواع مفروشات و کاربرد آنها: